

روایتی جاندار
از نسل امروز

مهدی کفاش، نویسنده،

مدرس داستان‌نویسی و

صاحب رمان‌های «یکی

بود... سه تا نبود»، «وقت

معلوم» و «قرار مهنا»،

خواندن دو کتابی را که یکی مربوط به نویسندگی

از نسل گذشته و دیگری نسل جوان داستان‌نویس

است به خوانندگان داستان توصیه کرده است:

«این ایام کتاب خوب «ریشه

در اعماق» نوشته ابراهیم

حسن بیگی را خواندم؛ کتابی

که چاپ اول آن سال ۱۳۷۳

در انتشارات برگ منتشر

شده است. ماجرای

کتاب در روستایی حوالی

زاهدان در خانواده‌ای

بلوچ (ریگی) می‌گذرد. پسر

خانواده شاپوک پایش به مسجد

باز می‌شود و با حسن معاشرت بچه‌های مسجد

انقلابی می‌شود. به جبهه می‌رود و دو دستش را

در جنگ از دست می‌دهد. حالا به کنار کپر پدرش

برگشته و پدرش در تدارک آوردن بالای زار است تا

با مراسمی زار یا همان جن را از تن پسرش بیرون

کند. شاپوک خودش می‌داند گاهی که حالش بد

می‌شود مربوط به عوارض موج‌گرفتگی است. از

طرفی شاپوک به تشویق دوستانش ازدواج کرده و

هرچند همسرش بماه را به دلیل بیماری از دست

داده و چون جانباز است دختر کوچکش، خیروک

را به همراه خانواده دیگری از اقوام به مشهد

فرستاده است. در همین حال عمویش هم از او

دل خوشی ندارد و او و خواهرش که معلول جسمی

حرکتی است را آزار می‌دهد. فشارها تا جایی ادامه

می‌یابد که کار به درگیری می‌کشد...»



توصیه دیگر کفاش، مجموعه داستان «حوای

سرگردان» نوشته محمد قائم‌خانی است. کتابی

که در بهار ۱۳۹۷ در انتشارات شهرستان ادب منتشر

شده است. کتاب شامل ۹ داستان است که

بیشترشان در مازندران امروز می‌گذرد. نگاه نافذ

نویسنده بی‌محابا جریان مدرنیته، عوارض جنگ،

توسعه شهرها، برندسازی، تغییر سبک زندگی و...

را در داستان‌های جذاب به چالش می‌کشد.

داستان‌هایی که بعضی از آنها مانند داستان حوای

سرگردان آنقدر تازه و عاشقانه است که تا مدت‌ها

در خاطر خواننده خواهد ماند. ویژگی مجموعه این

است که صدای نسل جوان امروز ایران و نوع

نگاهش را با روایتی جاندار و پرکشش به تصویر

کشیده است. □

نگاهی به «کتاب روضه»

احیای «روضه»
پس از ۵۰ سال

در طول تاریخ، جنگ‌های زیادی رخ

داده است، انسان‌های بی‌گناه زیادی

مظلومانه جان باخته‌اند، اما اتفاقی که

در سال ۶۱ هجری در بیابان‌های عراق

افتاد و به شکلی تراژیک خون فرزند

آخرین پیامبر خدا روی زمین ریخت

آنقدر عظیم و تکان‌دهنده بود که

پژواک آن تا ده‌ها قرن بعد ادامه یافت

و میلیون‌ها نفر در مورد آن واکنش نشان دادند.

واقعۀ عاشورا با این که تقریباً نیمی از يك روز در میان

میلیاردها روزی که زمین گذرانده را به خود اختصاص

داده است، اما آنچنان بشریت را تکان داد که تا همین

امروز آثار مختلفی پیرامون آن خلق می‌شود. از کتاب‌های

تاریخ‌نگارانه که وظیفه روایت آن واقعۀ را به عهده

داشتند تا رسوم ویژه عزاداری برای آن که باعث تمایز

این واقعۀ از سایر وقایع عالم شده است. شاعران،

عالمان، مورخان، سیاستمداران و هنرمندان بسیاری

پیرامون ریخته شدن خون پاك اهل بیت پیامبر بر

زمین تفتیده کربلا سخن گفتند.

درخصوص این واقعۀ کتب تاریخی زیادی نگاشته شده است

از لُهو ف سید بن طاووس تا مقتل ابی‌مخنف و مقتل خوارزمی

و... که هر يك کوشیده‌اند آنچه در کربلا گذشت را روایت کنند.

اما به دلیل عرب‌زبان بودن راویان و این که زبان عربی،

زبان غالب در فضای علمی جهان اسلام بوده، بیشتر کتب

در این حوزه به زبان عربی نگاشته شد تا این که در اواخر

دوران تیموریان (قرن نهم هجری قمری) فردی که احتمالاً از

اهل سنت حنفی و دارای گرایش‌های صوفیانه و شیعی پررنگ

بوده برای عرض ادب به محضر سیدالشهدا، کتابی با نام

روضه‌الشهدا به زبان فارسی نگاشت؛ کتابی که تا قرن‌ها بعد

عزاداری شیعیان در این رویداد را تحت تأثیر خود قرار داد و

یکی از منابع اصلی فارسی‌زبانان برای روایت ماجرای عاشورا

شد.

اما فارسی بودن تنها وجه ممیزه کتاب کاشفی از آثار قبلی

نبود. نثر گویا و ادبیات مسجع او باعث شد عامه مردم بتوانند

به راحتی با این کتاب ارتباط برقرار کنند و در مجالس عزای

سیدالشهدا (ع) با بهره‌گیری از این کتاب و هنر به کار رفته در

آن، روضه بر پا کنند.

اما روضه‌الشهدا در کنار این محسنات، ایرادی بزرگ دارد.

ملاحسین واعظ کاشفی بیش از آن که کتابی تاریخی خلق کرده

باشد، کتابی ادبی نوشته و برای همین برای تعداد زیادی از

داستان‌ها یا روایات ذکر شده در کتاب یا سندی ذکر نشده یا



علیرضا ملوندی

روزنامه‌نگار

اگر هم ذکر شده از منابعی غیرمعتبر و نه چندان قوی از لحاظ

علم روایت و تاریخ، نام برده شده است. همین ضعف باعث

شد که این کتاب مورد نقدهای زیادی قرار گیرد و در بین این

نقدها شاید سنگین‌ترین حمله را شهید مرتضی مطهری به

روضه‌الشهدا کرد؛ استاد در حمله‌ای تند علاوه بر زیر سؤال

بردن ملاحسین واعظ کاشفی و انگیزه او برای نگارش این

کتاب، گفت: «از وقتی که این کتاب در دست و بال‌ها افتاد،

دیگر کسی تاریخ واقعی امام حسین را مطالعه نکرد.»

بیراهه نیست اگر بگوییم نقد صریح شهید مطهری بر این

کتاب به ویژه پس از انقلاب تا حدود زیادی منجر به محاق

رفتن آن در میان عامه مردم شد و به دلیل وجود روایات

فراوان بی‌سند در آن، به کناری گذاشته شد.

اما قرن‌ها پس از نگارش این کتاب، محمد حقی دست به کار

شد و کوشید تا روضه‌الشهدا را تا حدی که به اساس کتاب

ضربه نخورد تنقیح و مستند کند. حقی در کتاب روضه که

گزیده‌ای از روضه‌الشهدای ملاحسین واعظ کاشفی است و

توسط انتشارات کتابستان به چاپ رسیده، کوشیده تا جایی

که ممکن است برای وقایع ذکر شده در کتاب از میان منابع

معتبر و مشهور، سند پیدا کند و طبیعتاً هر جا هم که سندی

یافت نشده آن بخش را از کتاب حذف کند؛ بخش‌هایی مانند

ماجرای هاشم مرقال، عروسی حضرت قاسم، ازرق شامی و ...

نکته مهم در کتاب روضه آن است که پژوهشگر به هیچ وجه

در متن اصلی دست نبرده و فقط کوشیده سند وقایع و

معنای برخی لغات مشکل را در پاورقی ذکر کند.

آنچه که پیرامون این ویرایش روضه‌الشهدا باید بدانیم آن

است که وجود سند برای روایات ذکر شده در کتاب لزوماً به

معنای صحیح و قطعی بودن آن روایات نیست. محقق در

این اثر فقط کوشیده به شکل منسجمی اسناد را ذکر کند و

تدقیق سندهای ذکر شده از لحاظ علم روایت و تاریخ مجالی

دیگر می‌طلبد.

متن اصلی روضه‌الشهدا علاوه بر ماجرای عاشورا و مصائب

واردۀ بر ابا عبد... (ع) که بخش اصلی کتاب را شامل می‌شود

در باب‌های ابتدایی مشتمل بر مصائب جمعی از انبیا، پیامبر

اسلام (ص)، امیرالمومنین (ع)، حضرت زهرا (س) و امام حسن

مجتبی (ع) است که پژوهشگر کتاب آنها را برای رعایت اختصار

حذف کرده و «کتاب روضه» تنها به امام حسین (ع) اختصاص

دارد.

کتاب روضه اقدامی مهم در راستای احیای روضه‌الشهدا در

میان فارسی‌زبانان است تا علاوه بر مطالعه يك تاریخ فارسی

پیرامون واقعۀ عاشورا، از نثر زیبای ۷ قرن پیش ملاحسین

واعظ کاشفی نیز لذت ببرند. □



فارسی بودن

تنها وجه ممیزه

کتاب کاشفی از

آثار قبلی نبود.

نثر گویا و ادبیات

مسجع او

باعث شد عامه

مردم بتوانند

به راحتی با این

کتاب ارتباط

برقرار کنند و در

مجالس عزای

سیدالشهدا (ع)

با بهره‌گیری از

این کتاب و هنر

به کار رفته در آن

روضه بر پا کنند